

جایگاه عقل و خرد ورزی در سیره تبلیغی رسول خدا ﷺ

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۵

تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۹/۲۵

مصطفی بابازاده *

چکیده

سیره تبلیغی یکی از ابعاد سیره رسول گرامی اسلام ﷺ است که می‌توان از آن درس‌های زیادی برای پیشبرد دین در جامعه حاضر برداشت کرد. از آنجایی که عقل جایگاه مهمی در دین مقدس اسلام دارد یکی از نکاتی که در سیره تبلیغی باید به آن توجه کرد، جایگاه و نقش عقل و خرد ورزی در تبلیغ دین است. در این مقاله به روش اسنادی و کتابخانه‌ای به تبیین جایگاه عقل و خرد ورزی در سیره تبلیغی رسول خدا ﷺ پرداخته شده و با دسته بندی روایات رسول خدا ﷺ در مورد عقل سعی شده است به گوشه‌ای از سیره گفتاری آن حضرت اشاره شود. همچنین با بررسی مصادیق عملی توجه به عقلانیت در تبلیغ دین مثل اتخاذ روش‌های عقلانی برای تبلیغ دین، تبلیغ عملی عقلانیت و بهره گیری از عقل برای ایجاد رشد عقلی در جامعه، جایگاه عقل در سیره عملی آن حضرت مورد بررسی قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: عقل، احساس، سیره، سیره تبلیغی.

* دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته تاریخ اسلام، دانشگاه باقرالعلوم (ع).

مقدمه

خداوند متعال برای هدایت و رسیدن انسان به رشد و کمال برای او پیغمبر درونی قرار داده که عقل اوست و پیامبران بیرونی که انبیاء الهی هستند که در واقع انبیاء نیز انسان را به شناخت و پیروی از حکم عقل فرا می خوانند، همانطور که رسول خدا ﷺ فرمودند: «و لا بعث الله رسولا و لا نبیا حتی یتکمل العقل». (کلینی، ۱۴۲۹ ق، ج ۱، ص ۱۲) خداوند هیچ رسول و نبی را نفرستاده است مگر اینکه عقل را کامل کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه در مورد علت بعثت پیغمبران الهی به آن اشاره می کنند: «و یثیروا لهم دفائن العقول». (صبحی، ۱۴۱۴ ق، ص ۴۳) تا گنجینه های خرد را در میان انسان ها برانگیزانند. لذا عقل جایگاه مهمی در دین اسلام دارد و انبیاء به پرورش آن و رساندن انسان به کمال، توجه ویژه داشته اند.

مطالعه جامعه عربستان در عصر جاهلیت که به سبب فقدان دانش و دین صحیح، جامعه ای بیشتر متأثر از احساسات بوده است نشان می دهد که عقل چه جایگاه مهمی دارد و افول آن در جامعه باعث سقوط در گرداب جهالت و خرافات خواهد شد. جامعه ای که احساسات در آن در قالب محبت ها و عشق های دنیوی از یک سو و خشم و کینه و غضب در سویی دیگر جلوه گر می شده است به عنوان مثال اگر شخصی از یک قبیله ای توسط قبیله دیگری کشته می شد تا انتقام نمی گرفتند آرام نمی شدند و فقط خون را با خون می شستند و گرفتن دیه را ننگ می دانستند و از آن عجیب تر این بود که باید شخصی که قصاص می شد از نظر شأن و جایگاه اجتماعی با مقتول یکی باشد مثلا اگر پسر رئیس قبیله کشته می شد باید پسر رئیس قبیله قاتل قصاص می شد هر چند نقشی در این قتل نداشته باشد. (جوادعلی، ۱۳۹۱، ج ۴، ص ۳۹۹) یا اینکه شروع رسم زنده به گور کردن دختران به خاطر تنفر و خشم پدرانی بود که در جریان جنگ بنی تمیم با دربارکسرا، دخترانشان در جنگ اسیر شده و به عنوان کنیز به دربار

برده شده بودند و حاضر نشدند که به قبیله خود بازگردند. (طباطبائی، ترجمه موسوی همدانی، ج ۱۲، ص ۴۰۱) علامه طباطبایی (ره) علت عمده این کار را این طور معرفی می‌کند: «آنها می‌پنداشتند که دخترها بزرگ می‌شوند و ملعبه دست مردان قرار می‌گیرند و ننگ آن برای خانواده و قبیله می‌ماند لذا به این کار دست می‌زدند». (طباطبائی، ج ۲، ص ۲۷۱) همه اینها به خاطر غلبه احساساتی مثل خشم و تنفر و غیره بود که بر عقل جامعه جاهلیت آن زمان چیره شده بود. اسلام در چنین سرزمینی ظهور کرد و مخاطبان اولیه آن چنین انسان‌های دور از تربیت عقلانی و علمی بودند. با این وجود رسول گرامی اسلام ﷺ توانست با بهره‌گیری از آیات قرآن کریم که همگان را به تعقل و تأمل فرا می‌خواند و سیره تبلیغی خود که بر عقلانیت و رشد آن تکیه داشت، از آن انسان‌های جاهلی، مؤمنانی اهل تأمل و تفکر بسازد که این امر هم در سیره گفتاری آن حضرت در ضمن روایات فراوانی که در مورد عقل وارد شده است، خود را نشان می‌دهد و هم در سیره عملی ایشان به صورتی که خودشان تبلیغ دین را به صورت کاملاً هوشمندانه پیش بردند و در عمل مردم را به تعقل تشویق و دعوت کردند. این پژوهش در صدد است به این سؤال پاسخ دهد که عقل و خرد ورزی چه جایگاهی در سیره تبلیغی آن حضرت داشته است؟

پیشینه پژوهش

در مورد سیره تبلیغی رسول خدا و روش تربیتی آن حضرت کتاب‌هایی مثل «سیره تبلیغی پیامبر اعظم ﷺ»، تألیف علیرضا عالمی، چاپ زمستان ۱۳۸۵ و «سیره تبلیغی پیامبر اکرم ﷺ (در آمدی بر سیاست تبلیغی اسلام در عصر ارتباطات)» ترجمه و تألیف اصغر افتخاری، چاپ تابستان ۱۳۷۷ و «نگاهی به سیره آموزشی رسول خدا ﷺ» تألیف احمد کریمیان اشاره کرد. همچنین مقالات متعددی در این مورد نوشته شده است که به چند مورد اشاره می‌کنیم:

سیره تبلیغی پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تبلیغ رفتاری (۱) و (۲)، علیرضا عالمی، ماهنامه پیام، تابستان ۱۳۸۹، شماره ۹۶.

جایگاه عقل و عاقلان در کلام خاتم پیامبران صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، سید جواد حسینی، ماهنامه مبلغان، ۱۳۸۴، شماره ۶.

شیوه‌های فرهنگی - تبلیغی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در عهد مکی، محسن الویری، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام، ۱۳۸۲، شماره ۲۰.

صفات تبلیغی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در نهج البلاغه، روح الله عطاران طوسی، تأمل، سال سوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۷، شماره ۶.

سیره تبلیغی پیامبر خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از منظر قرآن کریم، حسین عبدالمحمدی، کوثر معارف، ۱۳۸۵، شماره ۱.

مفاهیم

عقل

عقل به لحاظ لغوی برگرفته از عقال است و عقال طنابی است که به وسیله آن زانوی شتر سرکش را می‌بندند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ه. ق، ص ۵۷۷) رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در حدیثی به آن اشاره کرده و می‌فرماید: «إِنَّ الْعُقْلَ عِقَالٌ مِنَ الْجَهْلِ وَالنَّفْسَ مِثْلُ أُخْبَثِ الدَّوَابِّ فَإِنْ لَمْ تُعَقَّلْ حَارَتْ فَالْعُقْلُ عِقَالٌ مِنَ الْجَهْلِ» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳/۱۴۰۴ ق، ص ۱۵) عقل، عقال (زانوبند) جهل است، به زانوبند شتر تشبیه شده، نفس همانند پلیدترین جانوران است، اگر زانوبندش نزنند سرگردان شود، پس عقل، عقال و جلوگیری از جهل است. (ابن شعبه حرانی، ترجمه جنتی، ص ۳۳) لذا عقل را نوعی نیروی باطنی دانسته اند که هواهای نفسانی و شهوات را در آدمی به بند می‌کشد. (ابن منظور، ۱۴۱۴ ه. ق، ج ۱۱، ص ۴۵۸) (شاکری، صدیقه (۱۳۸۴)، «گذری بر عوامل شکوفایی عقل در قرآن و روایات»، نامه جامعه، شماره ۱۲) عقل

البته به معنای درک و فهم نیز به کاررفته است که کاربرد آن در قرآن کریم به این معنی است. (حیدری، ۱۳۸۱، ص ۵۱۱) گاه به معنی قوه تشخیص و درک نیز تعریف شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ه. ق، ص ۵۷۷) که خیر و شر را تشخیص می‌دهد و موجب نگه داشتن نفس از خلاف و تمایل به آن می‌شود. (فیومی، ۱۴۱۴ ه. ق، ج ۲، ص ۴۲۲) حکما عقل را به عقل نظری که عهده دار شناخت است و عقل عملی که کنترل کننده رفتار انسان است تقسیم می‌کنند. (مصباح یزدی، تحقیق و نگارش شریفی، ۱۳۸۱، ص ۹۶) در این پژوهش منظور از عقل، دعوت به تأمل و شناخت و تفکر از یک سو و کنترل شهوات و احساسات از سوی دیگر است.

عقلانیت و خرد ورزی

دو واژه عقل و عقلانیت در موارد متعددی به صورت مشترک استعمال شده‌اند اما اگر بخواهیم فرقی بین آنها قائل شویم در واقع استفاده از عقل عقلانیت شمرده می‌شود یعنی انسان طبق تعریف ارسطو دارای عقل و قوه تفکر است (قائمی نیا، علیرضا، ۱۳۸۳) «چیستی عقلانیت»، ذهن، شماره ۱۷) در این زمینه نمی‌توان مثلاً آن را با سنگ مقایسه کرد زیرا اصلاً سنگ قوه عقل ندارد ولی اگر انسانی از عقل خود استفاده نکنند در واقع از عقلانیت برخوردار نیست اگر چه قوه عقل را دارد. علامه جوادی آملی نیز با برداشت از روایت «الْعَقْلُ مَا عُبِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَ اكْتُسِبَ بِهِ الْجَنَانُ»، (ابن بابویه، ص ۲۲۳) بر روی همین نکته تأکید می‌کنند و عقل را طبق فرهنگ اسلامی این طور معرفی می‌کنند: «پس در فرهنگ دین مجموعه درک و کار را عقل گویند آنکه درست درک نمی‌کند عاقل نیست و کسی که درک می‌کند و عالم است ولی به علمش عمل نمی‌کند او هم عاقل نیست، مجموعه این دو فضیلت در حدیث به صورت «الْعَقْلُ مَا عُبِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَ اكْتُسِبَ بِهِ الْجَنَانُ» بازگو شده است یعنی کسی که نمی‌داند نمی‌تواند بهشت کسب کند و کسی هم که بداند ولی عمل نکند نمی‌تواند بهشت را فراهم نماید». (امانلو، حسین و بخشایش اردستانی، احمد، «معرفت

شناسی عقل در سیره اجتماعی سیاسی رسول خدا»، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال پنجم، شماره ۳۸) منظور از عقل در این پژوهش عقل به معنی عقلانیت و به کار بردن عقل و تعقل است. در واقع معنی عقلانیت را این طور می‌توان تکمیل کرد که عقلانیت یعنی درک درست هدف و راه رسیدن به آن. واستن مارک (Stenmark) برای رفع نقصان تعریف‌های موجود، معنای جامعی از عقلانیت را مطرح می‌کند که هم شامل ابزارها و هم شامل اهداف می‌شود. او این عقلانیت را «عقلانیت کل‌نگر» (holistic rationality) می‌نامد؛ به عبارت دیگر، عقلانیت کل‌نگر عبارت است از: «تعقیب اهداف مناسب و ابزارهای مناسب برای رسیدن به آن اهداف است». (قائمی نیا، علی رضا، (۱۳۸۳)، «چیستی عقلانیت»، ذهن، شماره ۱۷) رسول اکرم ﷺ با دعوت مردم به تعقل و اندیشیدن به توحید و سایر معارف دینی در سیره تبلیغ خود سعی داشتند مردم را با هدف درست خلقت انسان یعنی معرفت و قرب به خداوند متعال و راه رسیدن به آن یعنی بندگی به درگاه او آشنا کنند تا جامعه‌ای که با انواع خرافات، اوهام، دنیا دوستی و مآل پرستی عجین شده بود به رشد و کمال برسد. همان طور که امیرالمؤمنین علی علیه السلام در مورد فلسفه بعثت انبیاء به آن اشاره می‌کنند. (صبحی، ۱۴۱۴ ق، ص ۴۳) لذا در این پژوهش از هر دو واژه به صورت واژگان مترادف استفاده خواهد شد.

احساس

احساس نیز هرچند در لغت به معنای درک چیزی با حواس معنی شده است، (مهنا، ۱۴۱۳ ه. ق، ج ۱، ص ۲۵۶) اما در این مقاله منظور از آن نقطه مقابل عقل یعنی عدم کنترل نفس و شهوات و رفتار براساس عاطفه می‌باشد که در حالت‌هایی مثل خشم، شادی، عشق و... ظهور پیدا می‌کند.

سیره

معنی لغوی سیره

سیره در زبان عربی از ماده «سیر» است. (ابن سیده، ۱۴۲۱ ه. ق، ج ۸، ص ۵۷۲) سیر یعنی حرکت، رفتن، راه رفتن، «سیره» یعنی نوع راه رفتن، سیر یعنی رفتن، رفتار ولی سیره یعنی نوع و سبک رفتار. (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۳۴۰)، (مطهری، ۱۳۸۱، ص ۴۸)

معنی اصطلاحی سیره

سیره در تاریخ در واقع بررسی سبک رفتار شخصیت‌های تاریخی اعم زندگی فردی، اجتماعی، سیاسی و... است؛ مثلاً شهید مطهری (ره) در مورد سیره پیامبر اسلام ﷺ می‌نویسد:

«به منظور دریافت و تفسیر دقیق سیره پیامبر ﷺ بهتر است، ابتدا معنای لغت «سیره» را دریابیم. سیره در زبان عربی از ماده «سیر» است. سیر یعنی حرکت، رفتن، راه رفتن، «سیره» یعنی نوع راه رفتن، سیر یعنی رفتن، رفتار ولی سیره یعنی نوع و سبک رفتار. آنچه مهم است شناخت سبک رفتار پیغمبر ﷺ می‌باشد». (مطهری، ۱۳۸۱، ص ۴۸)

ایشان در ادامه انتقادی به کتاب‌هایی که به نام سیره در مورد پیامبر اسلام ﷺ نوشته شده کرده و ادامه می‌دهد: «آنها که سیره نوشته اند، رفتار پیغمبر را نوشته اند [و نه سبک و اسلوب پیغمبر در رفتار را] این کتاب‌ها که به نام سیره داریم؛ سیر است نه سیره... رفتار پیغمبر نوشته شده است، نه سبک پیغمبر در رفتار، نه اسلوب رفتار پیغمبر، نه متد پیغمبر» (مطهری، ۱۳۸۱، ص ۴۸)

تبلیغ

معنی لغوی تبلیغ

تبلیغ از باب تفعیل و از ماده بلغ به معنی رساندن از همان طور که ابلاغ نیز به این معنی استعمال می‌شود. (ابن منظور، ۱۴۱۴ ه.ق، ج ۸، ص ۴۱۹)

معنی اصطلاحی تبلیغ

«تبلیغ»، انتشار و انتقال اطلاعات و عقائد و دیدگاه‌هایی است بین فرد یا افرادی به منظور نفوذ و ایجاد دگرگونی و تأثیر در روحيات، افکار و رفتارهای آنها که بر سه عنصر اصلی پیام دهنده، پیام گیرنده و محتوای پیام مبتنی است.

به عبارت دیگر تبلیغ عبارت است از روش یا روش‌هایی به هم پیوسته در قالب یک مجموعه برای بسیج کردن و جهت دادن نیروهای اجتماعی و فردی از طریق نفوذ در شخصیت افکار و عقائد و احساسات آنها برای رسیدن به یک هدف مشخص که این هدف ممکن است سیاسی، نظامی، فرهنگی و... مشروع یا نامشروع باشد. (واسعی، ۱۳۸۸، ص ۲۳)

مرحوم شهید مطهری در مورد معنی تبلیغ می‌فرماید: «تبلیغ یعنی رساندن یک پیام از کسی به کس دیگر، رساندن چیزی به فکر و روح و ضمیر و قلب کسی که این پیام، بایستی یک امر معنوی و روحی باشد». (مطهری، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۳۲۱)

سیره تبلیغی

طبق آنچه شهید مطهری (ره) فرمودند سیره رسول خدا ﷺ یعنی شناخت سبک رفتار آن حضرت که شامل همه شئون مختلف زندگی ایشان می‌شود که یکی از آنها، سیره آن حضرت در تبلیغ دین است یعنی سبک آن حضرت در تبلیغ اسلام لذا در بررسی سیره تبلیغی باید به دنبال شناخت سبک رفتار آن حضرت در تبلیغ دین باشیم؛ و این مقاله به دنبال بررسی گوشه‌ای از سیره تبلیغی آن حضرت در مورد عقل است.

عقل در سیره تبلیغی رسول خدا ﷺ

از آنجایی که تبلیغ رسول خدا ﷺ بیشتر از طریق خواندن خطبه، وعظ و سخن انجام گرفته است می‌توان با بررسی آنها میزان بهره‌گیری از واژه عقل، تفکر، تأمل و همچنین به کارگیری استدلال در اثبات گزاره‌های دینی را ملاک عقل و عقلانیت قرار داد و تحت عنوان سیره گفتاری بررسی کرد. گذشته از آن در رفتار عملی و منش رسول خدا ﷺ و نوع برخورد آن حضرت در حوادث مختلف نیز می‌توان نشانه‌هایی از نوع رفتار همراه با تأمل و تفکر را تحت عنوان سیره عملی شناسایی و بررسی کرد. این مقاله ابتدا به سیره گفتاری می‌پردازد و با دسته‌بندی روایات آن حضرت در مورد عقل و انتخاب عنوانی برای هر کدام از آنها و همچنین بیان مثال‌هایی سعی دارد به گوشه‌ای از سبک و منش گفتاری آن حضرت در تبلیغ دین در مورد عقل و عقلانیت اشاره کند.

سیره گفتاری

اهمیت و جایگاه عقل

آن حضرت در سیره تبلیغی گفتاری خود در موارد متعددی به اهمیت و جایگاه عقل و عقلانیت پرداخته‌اند تا مردم جایگاه واقعی عقل را بشناسند زیرا شناخت، مقدمه پیروی از دستورات عقل است و آن حضرت در سیره تبلیغی خود به این موضوع توجه ویژه داشته‌اند که به عنوان نمونه به این روایت می‌توان اشاره کرد که آن حضرت فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْعَقْلَ فَقَالَ لَهُ أَقْبَلْ فَأَقْبَلَ وَ قَالَ لَهُ أَدْبِرْ فَأَدْبَرَ فَقَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ عَزَّتِي وَ جَلَالِي مَا خَلَقْتُ خَلْقًا أَعْظَمَ مِنْكَ وَ لَا أَطْوَعَ مِنْكَ بَكَ أَبْدَأُ وَ بَكَ أَعِيدُ لَكَ الثَّوَابُ وَ عَلَيْكَ الْعِقَابُ». (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ هـ ق/ ۱۳۶۳، ص ۱۵) همانا خداوند عقل را آفرید پس به او گفت: رو کن و او رو کرد و به او گفت: برگرد و او برگشت. سپس خداوند تبارک و تعالی فرمود: به عزت و جلالم سوگند، من مخلوقی بزرگتر و فرمانبردارتر از تو نیافریده‌ام. با تو آغاز می‌کنم و با تو بر می‌گردانم و با معیار

تو ثواب می‌دهم و عقاب می‌کنم». در تعبیر دیگر آن حضرت عقل را نیکوترین مخلوق معرفی می‌کنند و از تعبیر «أحسن منک» به جای «أعظم منک» استفاده می‌کنند. (مجلسی، ۱۴۰۳ ه ق، ج ۱، ص ۱۰۷) این تعبیر از ائمه دیگر مثل امام صادق علیه السلام و امام رضا علیه السلام هم نقل شده است. (کلینی، ۱۴۲۹ ه ق، ج ۱، ص ۶۴) آن حضرت در این روایت شریف جایگاه عقل را به عنوان عظیم‌ترین مخلوق در عالم به مخاطبین خود معرفی می‌کنند.

ویژگی‌های عقل و صاحبان آن

آن حضرت با بیان ویژگی‌های عقل و عاقلان مردم را به تعقل و تدبیر تشویق کرده اند که به عنوان نمونه می‌توان به این روایت اشاره کرد:

روزی اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله در پیش آن حضرت از فضایل و خوبی‌های شخصی تعریف کردند. آن حضرت اول از عقل او پرسیدند و فرمودند که اگر انسان از نعمت عقل و استفاده از آن بی بهره باشد ممکن است اعمال او از فاجر بدتر شود و انسان‌ها به اندازه عقلشان به درجات بالا می‌رسند.

«وَأَنْتَى قَوْمٌ بِحَضْرَتِهِ عَلَى رَجُلٍ حَتَّى ذَكَرُوا جَمِيعَ خِصَالِ الْخَيْرِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: كَيْفَ عَقْلُ الرَّجُلِ فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ نُخْبِرُكَ عَنْهُ بِاجْتِهَادِهِ فِي الْعِبَادَةِ وَ أَصْنَافِ الْخَيْرِ تَسْأَلْنَا عَنْ عَقْلِهِ فَقَالَ ﷺ: إِنَّ الْأَحْمَقَ يَصِيبُ بِحُكْمِهِ أَكْثَرَ مِنْ فَجُورِ الْفَاجِرِ وَ إِنَّمَا يَرْتَفِعُ الْعِبَادُ غَدًّا فِي الدَّرَجَاتِ وَ يَنَالُونَ الرُّؤْفَى مِنْ رَبِّهِمْ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ». (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ ه ق/ ۱۳۶۳، ص ۵۴) در حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله از همه ویژگی‌های خوب شخصی تعریف شد. حضرت سؤال کردند که عقل او چگونه است؟ اصحاب گفتند: یا رسول الله ما از عبادت و خوبی‌های او صحبت می‌کنیم ولی شما از عقل او می‌پرسید؟ آن حضرت فرمودند: همانا انسان احمق با حماقت خود اعمال بدتری از انسان فاجر انجام می‌دهد و انسان‌ها در روز قیامت به اندازه عقلشان به درجات بالا و قرب پروردگارشان می‌رسند.

از این روایت و روایت‌های مشابه آن، می‌توان این برداشت را کرد که رسول گرامی ﷺ از فرصت‌های مختلف تبلیغی استفاده کرده و جایگاه عقل را به مردم معرفی می‌کردند و آنها را به تعقل و بهره‌وری از عقل برای رسیدن به سعادت واقعی ترغیب و تشویق می‌کرده‌اند. همچنین در روایت دیگری آن حضرت ویژگی‌های انسان‌های عاقل را بیان می‌کنند تا راه بهره‌وری از عقل برای همگان بهتر روشن سازند. آن حضرت می‌فرماید:

«و صفة العاقل أن يحلم عن جهل عليه و يتجاوز عن ظلمه و يتواضع لمن هو دونه و يسابق من فوَّقه في طلب البر و إذا أراد أن يتكلم تدبر فإن كان خيرا تكلم فغنم و إن كان شرا سكت فسلم و إذا عرضت له فتنة استعصم بالله و أمسك يده و لسانه و إذا رأى فضيلة انتهز بها لا يفارقه الحياء و لا يبدو منه الحرص فتلك عشر خصال يعرف بها العاقل». (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ هـ ق/ ۱۳۶۳، ص ۲۹)

آن حضرت در این روایت صفاتی مثل: «حلم، گذشت و تواضع در مقابل زیر دستان، سبقت در طلب خیر، تدبر قبل از کلام (که اگر خیر بود بگوید و اگر شر باشد زبان خود را نگه دارد)، پناه بردن به خداوند متعال در فتنه‌ها، غنیمت شمردن فضائل و بهره‌گیری از آنها، حیا، دوری از حرص» را جزء نشانه‌های انسان عاقل برشمرده‌اند.

در روایتی علی عليه السلام که همنشین و وصی و جانشین پیامبر گرامی است به یکی از ویژگی‌های اجتماعی انسان عاقل یعنی مدارا اشاره کرده و می‌فرماید: «اعلم أن رأس العقل بعد الإيمان بالله عزوجل مداراة الناس و لا خير فيمن لا يعاشر بالمعروف من لا بد من معاشرته حتى يجعل الله إلى الخلاص منه سبيلا». (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۲، ص ۲۰۲) بدان که رأس عقل بعد از ایمان به خداوند متعال مدارا کردن با مردم است و در انسانی که باید با کسانی با آنها معاشرت داشته باشد معاشرت نمی‌کند، خیری نیست تا خداوند راهی برای خلاص از او قرار دهد.

در روایت دیگری دوستی با مردم و خواستن خیر برای آنها (خوب یا بد) را از نشانه‌های انسان عاقل بر می‌شمارند «رأس العقل بعد الإيمان بالله التودد إلى الناس و اصطناع الخير إلى كل بر و فاجر». (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲، ص ۳۵)

ارزش دادن به عوامل رشد عقل در جامعه

آن حضرت ارزش عوامل موثر در رشد عقل مثل علم آموزی و آموزش علم، تدبیر، دوری از هواهای نفسانی و... را در جامعه بالا برده و آنها را به عنوان یک هنجار مهم در جامعه معرفی کرده اند که باعث شد در میان جامعه جاهلی حجاز، مؤمنانی عالم و با فضیلت مثل ابوذر، مقداد، سلمان و غیره تربیت شوند. به عنوان مثال آن حضرت می‌فرمایند: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ» (کلینی، ۱۴۲۹ ه ق، مقدمه، ص ۷) یا «اطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ» (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵ ج ۱، ص ۱۲) این روایات نشان می‌دهند که علم و دانش به عنوان یکی از عوامل گسترش عقلانیت در جامعه و دوری از جهل و خرافات چقدر در نزد آن حضرت اهمیت دارد که ایشان مسلمین را برای مسافرت به دورترین نقاط دنیا جهت کسب علم تشویق می‌کنند.

سیره تبلیغی عملی

آن حضرت علاوه بر بیان احادیث گهربار و بیان آیات قرآن کریم و تفسیر آنها در مورد جایگاه و فضیلت عقل و بهره‌وری از آن، به صورت عملی نیز از عقلانیت در تبلیغ دین استفاده کرده و همچنین مردم را به بهره‌گیری و رشد عقل در حیطه فردی و اجتماعی ترغیب و تشویق نموده‌اند که به عنوان نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

انتخاب روش‌های عقلانی برای تبلیغ دین

آن حضرت برای تبلیغ دین در فضای ملتهب و پر از دشمنی جزیره العرب با اسلام از روش‌های عقلانی مختلفی استفاده کردند که عقلانیت در تبلیغ دین را به صورت عملی به همگان نشان دادند که به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

اول: تبلیغ مرحله به مرحله مثل سه سال دعوت مخفیانه در ابتدای بعثت، شروع دعوت علنی از خانواده و عشیره خود و... .

دوم: توجه به ظرفیت مخاطب در تبلیغ و بیان معارف اسلامی همان طور که امام صادق علیه السلام در تبیین سیره تبلیغی رسول خدا صلی الله علیه و آله به آن اشاره کرده و می‌فرماید: «ما کلم رسول الله صلی الله علیه و آله العباد بکنه عقله قط و قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: إنا معاشر الأنبياء أمرنا أن نكلم الناس على قدر عقولهم». (کلینی، ۱۴۲۹ ق، ج ۱، ص ۲۳) رسول خدا صلی الله علیه و آله با مردم با نهایت عقل خود صحبت نکرد و فرمود: ما انبیاء امر شده‌ایم که با مردم به اندازه عقلشان صحبت کنیم.

سوم: استفاده از استدلال در اقناع مخاطبین در کنار موعظه و جدال احسن همان طور که خداوند در قرآن پیامبرش را به آن امر کرده و می‌فرماید: «أدع إلى سبيل ربك بالحكمة و الموعظة الحسنة و جادلهم بالتی هی أحسن». (سوره نحل/آیه ۱۲۵) مردم را با حکمت، موعظه و جدال احسن به سوی پروردگارت بخوان.

چهارم: ایجاد فرصت‌های مختلف تبلیغی و استفاده از آن فرصت‌ها مثل تربیت مبلغ دینی و اعزام آنها به مناطق مختلف، دعوت پادشاهان کشورهای مختلف همسایه مثل ایران، روم و... به اسلام.

پنجم: سفر تبلیغی آن حضرت به مناطق مختلف از جمله طائف و... .

ششم: ساختن مساجد مختلف مثل قبا، مدینه و... به عنوان پایگاه مهم دینی، اجتماعی و سیاسی.

هفتم: عمل کردن به گفته‌های خود زیرا رسول گرامی اسلام ﷺ می‌دانستند که سخن در قلب‌ها زمانی رسوخ می‌کند و تأثیر می‌گذارد که خود گوینده معتقد و عامل به گفته‌های خود باشد لذا قرآن آن حضرت را بهترین الگو برای رسیدن به کمال معرفی می‌کند. (سوره احزاب/ آیه ۲۱)

بنابراین آن حضرت توانستند با اتخاذ روش‌های عقلانی که متکی به وحی بود، اسلام را با وجود تمام دشمنی‌ها و کار شکنی‌ها حفظ کرده و نشر دادند به صورتی که در مدت کوتاه رسالت آن حضرت، اسلام به دین غالب در شبه جزیره عربستان و بعدها در مناطق وسیعی از جهان مثل آفریق، آسیا و... تبدیل شد.

تبلیغ عملی عقلانیت و بهره‌گیر از عقل برای ایجاد رشد عقلی در جامعه و از بین بردن فرهنگ‌های جاهلی

همان طور که در بالا توضیح داده شد رسول گرامی اسلام ﷺ از روش‌های مختلف عقلانی دور از احساسات و تعصبات برای تبلیغ دین استفاده کردند و این خود جزیی از سیره عملی عقلانی ایشان در تبلیغ اسلام است. علاوه بر این ایشان در عمل نیز با رفتار عقلانی به دور از احساسات و افراط و تفریط‌ها، عقلانیت را در عمل به مردم نشان داده و راه هدایت را برای مردم باز می‌کردند به صورتی که هم مسلمین رفتار عاقلانه را بیاموزند و هم باعث هدایت دیگران شوند که به عنوان نمونه به مثال ذیل می‌توان اشاره کرد:

شهید مطهری (ره) در کتاب داستان راستان (مطهری، ج ۱، ص ۵۰) نقل می‌کنند که عربی بیابانی و وحشی وارد مدینه شد و یکسره به مسجد آمد تا از رسول خدا ﷺ سیم و زری بگیرد. هنگامی وارد شد که رسول اکرم ﷺ در میان انبوه اصحاب و یاران خود بود. حاجت خویش را اظهار کرد و عطایی خواست. رسول اکرم چیزی به او داد، ولی او قانع نشد و آن را کم شمرد، بعلاوه سخن درشت و ناهمواری بر زبان آورد و

نسبت به رسول خدا ﷺ جسارت کرد. اصحاب و یاران سخت در خشم شدند و چیزی نمانده بود که آزاری به او برسانند، ولی رسول خدا ﷺ مانع شد.

رسول اکرم ﷺ اعرابی را با خود به خانه برد و مقداری دیگر به او کمک کرد. در ضمن اعرابی از نزدیک مشاهده کرد که وضع رسول اکرم ﷺ به وضع رؤسا و حکامی که تاکنون دیده، شباهت ندارد و زر و خواسته‌ای در آنجا جمع نشده است. اعرابی اظهار رضایت کرد و کلمه‌ای تشکر آمیز بر زبان راند. در این وقت رسول اکرم ﷺ به او فرمود: «تو دیروز سخن درشت و ناهمواری بر زبان راندی که موجب خشم اصحاب و یاران من شد. من می‌ترسم از ناحیه آنها به تو گزندی برسد؛ ولی اکنون در حضور من این جمله تشکر آمیز را گفתי. آیا ممکن است همین جمله را در حضور جمعیت بگویی تا خشم و ناراحتی که آنان نسبت به تو دارند از بین برود؟» اعرابی گفت: «مانعی ندارد». روز دیگر اعرابی به مسجد آمد، در حالی که همه جمع بودند. رسول اکرم ﷺ رو به جمعیت کرد و فرمود: «این مرد اظهار می‌دارد که از ما راضی شده، آیا چنین است؟». اعرابی گفت: «چنین است» و همان جمله تشکر آمیز را که در خلوت گفته بود تکرار کرد. اصحاب و یاران رسول خدا ﷺ خندیدند.

در این هنگام رسول خدا رو به جمعیت کرد و فرمود: «مثل من و این گونه افراد، مثل همان مردی است که شترش رمیده بود و فرار می‌کرد، مردم به خیال اینکه به صاحب شتر کمک بدهند فریاد کردند و به دنبال شتر دویدند. آن شتر بیشتر رم کرد و فراری تر شد. صاحب شتر مردم را بانگ زد و گفت خواهش می‌کنم کسی به شتر من کاری نداشته باشد، من خودم بهتر می‌دانم که از چه راه شتر خویش را رام کنم. همین که مردم را از تعقیب باز داشت، رفت و یک مشت علف برداشت و آرام آرام از جلو شتر بیرون آمد. بدون آنکه نعره‌ای بزند و فریادی بکشد و بدود، به تدریج در حالی که علف را نشان می‌داد، جلو آمد. بعد با کمال سهولت مهار شتر خویش را در دست گرفت و روان شد.»

اگر دیروز من شما را آزاد گذاشته بودم، حتما این اعرابی بدبخت به دست شما کشته شده بود و در چه حال بدی کشته شده بود، در حال کفر و بت پرستی ولی مانع دخالت شما شدم و خودم با نرمی و ملایمت او را رام کردم.

این روایت نشان می‌دهد که آن حضرت چگونه به صورت عملی راه کنترل احساساتی مثل خشم را به اصحاب خود آموختند و با رفتاری عاقلانه و به دور از احساسات راه هدایت را به اعرابی نشان دادند و او را به اسلام هدایت کردند زیرا در آخر روایت آن حضرت فرمودند: «اگر دیروز من شما را آزاد گذاشته بودم حتما این اعرابی بدبخت به دست شما کشته شده بود و در چه حال بدی کشته شده بود، در حال کفر و بت پرستی».

معلوم است که اعرابی با رفتار عاقلانه آن حضرت مسلمان شد و ایمان آورد.

نتیجه گیری

در این مقاله به جایگاه عقل در سیره تبلیغی رسول خدا ﷺ پرداخته شد و با اشاره به گوشه‌ای از فضای اجتماعی جزیره العرب سعی شد تا سیره تبلیغی آن حضرت در دو بخش گفتاری و عملی در مورد عقل مورد بررسی قرار گیرد. در ابتدا با دسته بندی، روایات آن حضرت در مورد عقل بیان شد که ایشان جایگاه عقل و عظمت آن را به مردم معرفی کردند تا زمینه تبعیت از عقل فراهم شود و همچنین ویژگی‌های عقل و نشانه‌های انسان عاقل را معرفی کردند و ارزش عوامل رشد عقل مثل علم آموزی را در جامعه بالا بردند. آن حضرت همچنین در سیره عملی خود هم از روش‌های عقلانی جهت تبلیغ دین از جمله تبلیغ مرحله به مرحله مثل سه سال دعوت مخفیانه در ابتدای بعثت، شروع دعوت علنی از خانواده و عشیره خود و...، توجه به ظرفیت مخاطب در تبلیغ و بیان معارف اسلامی بهره بردند و با تبلیغ عملی عقلانیت و بهره‌گیری از عقل برای ایجاد رشد عقلی در جامعه و از بین بردن فرهنگ‌های جاهلی توانستند جامعه آن روز جزیره العرب را که درگیر انواع خرافات، عصبیت و... بود با وجود تمام دشمنی‌ها و کارشکنی‌ها به سمت سعادت هدایت کنند. از مطالب گفته شده روشن گردید که عقل در سیره تبلیغی رسول خدا ﷺ جایگاه رفیعی دارد و باید در تبلیغ به رشد عقل و تفکر اهمیت زیادی داده شود و نباید آن را در احساسات سطحی و زودگذر منحصر کرد.

یادداشت‌ها

۱- دعوت از خویشاوندان در شروع دعوت علنی به دستور قرآن و نزول آیه شریفه «وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (الشعراء: ۲۱۴) صورت گرفت که می‌توان در مورد فلسفه این روش تبلیغی و تأثیر گذاری آن این‌طور گفت؛ در معرفی و تبلیغ آیین جدید که مخالف سیره و سنت حاکم در جامعه است، پذیرش و حمایت افراد خانواده و قبیله می‌تواند هم قوت قلبی برای مبلغ دین و هم تبلیغ و تشویقی برای پذیرش دیگران باشد و همچنین اگر مخالفت آنها باشد به‌طور طبیعی کار برای مبلغ سخت خواهد شد.

۲- توجه به ظرفیت مخاطب نکته بسیار مهم و اساسی در تبلیغ دین است که حتی بزرگان دینی هم به مبلغان گوشزد می‌کنند که در برنامه‌های دینی خود ظرفیت مخاطب را در نظر بگیرند مثلاً علامه جوادی آملی (حفظه الله) در جمع مبلغان دینی دفتر تبلیغات اسلامی در قم فرمودند: «باید با هر کس متناسب با زمان، موقعیت، سن و شرایط خاص همان فرد و با توجه به لطف و مغفرت الهی سخن بگوییم؛ بدین گونه که نه آن شخص را غرور بر دارد و نه نا امید شود؛ لذا در تبلیغ باید طبیانه، انذار و تبشیر در کنار هم قرار بگیرد تا اگر جراحی وجود داشت مرهم نیز وجود داشته باشد».

(به نقل از خبرگزاری شفقنا <https://fa.shafaqna.com/news/174522>)

۳- شهید مطهری (ره) داستاد اعرابی را از کتاب کحل البصر شیخ عباس قمی (ره)، ص ۷۰، مؤسسه نشر کتب المذهبیه قم نقل کرده اند و عین این روایت در سفینه البحار (ج ۲، ص ۶۹۳) نیز موجود است و شاید شیخ عباس قمی (ره) روایت را از کتاب سفینه خود نقل کرده اند ولی در کحل البصر آدرسی برای آن ذکر نکرده اند.

۴- در روایت سفینه البحار و كحل البصر واژه «فقتلتموه دخل النار» وارد شده و به علت آن اشاره نشده و شاید دخول جهنم به خاطر كفر یا شرك اعرابی، برداشت شهید مطهری (ره) از روایت بوده است. به هر حال این موضوع ضربه‌ای به شاهد مثال ما نمی‌زند.

فهرست منابع و مآخذ

قرآن کریم.

زهج البلاغه، تحقیق صبحی صالحی (۱۴۱۴ ق)، قم، هجرت.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۶ ش)، علل الشرائع، هدايت الله مسترحمی، تهران: مصطفوی، چاپ ششم.
۲. ابن سیده، علی بن اسماعیل (۱۴۲۱ ه. ق)، المحکم و المحيط الأعظم، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ / ۱۳۶۳ ق)، تحف العقول، قم: جامعه مدرسین، چاپ دوم.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ه. ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر، سوم.
۵. امانلو، حسین و بخشایش اردستانی، احمد، (زمستان ۳۱۳۳) «معرفت شناسی عقل در سیره اجتماعی سیاسی رسول خدا ﷺ»، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال پنجم، شماره ۳۸.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق)، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۷. حیدری، محمد (۱۳۸۱ ه. ش)، معجم الأفعال المتداولة و مواطن استعمالها، قم، لمركز العالمی للدراسات الاسلامیة.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (بیروت، ۱۴۱۲ ه. ق)، مفردات ألفاظ القرآن، اول، بیروت: دار القلم.
۹. طباطبایی، سیدمحمدحسین، سید محمد باقر موسوی همدانی (۱۳۷۴ ش)، ترجمه تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، پنجم.
۱۰. طریحی، فخر الدین بن محمد (۱۳۷۵ ه. ش)، مجمع البحرين، تهران: مرتضوی، سوم.
۱۱. علی، جواد (۱۳۹۱)، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت: دار العلم للملایین.
۱۲. فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵ ش)، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین (ط - القديمة)، ایران؛ قم: انتشارات رضی.
۱۳. فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ ه. ق)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، قم: مؤسسه دار الهجرة، دوم.
۱۴. قائمی نیا، علیرضا (۱۳۸۳) «چیستی عقلانیت»، ذهن، شماره ۱۷.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق)، الکافی (ط - الإسلامیة)، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چهارم.
۱۶. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ ق)، بحار الأنوار (ط - بیروت)، بیروت: دار إحياء التراث العربی، دوم.
۱۷. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۱)، فلسفه اخلاق، تحقیق و نگارش احمد حسین شریفی، تهران: چاپ و نشر بین الملل.
۱۸. مطهری، مرتضی (۱۳۸۱)، سیری در سیره نبوی، تهران، صدار، چاپ بیست و پنجم.
۱۹. مهنا، عبد الله علی (۱۴۱۳ ه. ق)، لسان اللسان: تهذیب لسان العرب، اول، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۲۰. واسعی، سید علیرضا، محمد شمس الدین، دینانی، درآمدی بر روهای تبلیغی ائمه، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.